###### 28

###### azad

###### **دانشگاه آزاد اسلامي**

###### **واحد تهران مرکز**

موضوع:

سرگذشت زبان فارسی دری

استاد راهنما:

دانشجو:

مقدمه:

بشر ناگزیر بوده است در اجتماع زندگی کند, بادیگران در آمیزد, مقصد خودرا به دیگران بفهماند و از منظور دیگران باخبر شود. این نیازمندیهای متقابل اورا مجبور ساخت تا از سمبولها و اشاره های لفظی, کتبی و قراردادی که بین او و دیگراعضای جامعه مشترک بود استفاده نماید. سیستمتیک ساختن این نشانه ها و دلالتهای قراردادی زبان آن توده تشکیل داد. بعبارت دیگر زبان عبارت از مجموعه دلالتها و نشانه ها و سمبولهای قراردادی ایست که افراد یک جامعه بوسیله آنها افهام و تفهیم می نماید. ساده تر بگوئیم بوسیله آنها فعالیتهای اجتماعی و ضرورتهای باهمی خودرا مرفوع می سازند. پس تحقیق در اصل و منشأ زبان موقوف بدانستن نوع نشانه ها و سمبولهایی میشود که بشر اجتماعی در اختیار داشته و آنهارا بمنظور اجرای مقاصد خود بکار برده است. چون نشانه ها و علامه هایی که بشر فعال و کارکن بوسیله آنها فعالیتهای اجتماعی خودرا انجام داده است مختلف اند, انواع زبانها بوجود آمده است, که زبان بوئیدنی, لمس کردنی, دیدنی و اشاره یی هم در اجتماعات بشری وسیله اجرای امور می شده اند. چنانچه اگر دو فرد عملی را با قرارداد سمبولی و نشانه یی به مفهومی نسبت داده و بیکدیگر القأ کنند میتوان گفت که زبانی وجود داشته است. مثلاً عطریکه به لباس زده باشند, دستمالیکه از جیب بیرون آورند, فشارکوتاه و ممتدیکه بدست کسی بدهند، هـرگاه از پیش قرار گذاشته باشند که این علامه ها و نشانه ها برای بیان خبری یا فرمانی بکار رود زبان خاص شمرده میشود.

پس از نظر زبانشناسان زبان مجموعه دلالتها و علامه های قراردادی صوتی است که موجب تشکل نظم و نسق اجتماعات بشری میگردد.از نظر ایشان زبان به دوصورت جلوه میکند:

1. زبان لفظی یا (شنیدنی): این زبان اساس تمدنهای بشری را تشکیل داده وزبان گفتاری را می سازد. زبان گفتاری موضوع اساسی زبانشناختی امروزی بوده از نقطه نگاه واحدهای صوتی مطالعه میشود.
2. زبان دیدنی (دیداری) یا اشاره یی: عملیات این زبان از راه چشم صورت گرفته اغلب با زبان شنیدنی همراه میباشد. در تمام ملتهای جهان کم و بیش حرکتهای دست و چهره با سخن مطابقت دارد. وضع چهره با صوتهای گفتار, حالتها و اندیشه هایی را بیان میکند که در سریع ساختن چینل مخابره خیلی مؤثر است.

زبان گفتار موازی با زبان اشاره یی بوجود آمده و هیچ دلیلی وجود ندارد که تصور کنیم یکی ازین دو زبان قدیمتر از دیگری باشد. همین اشکال در تعیین قدیمترین مجموعه علامه ها و نشانه ها نیز وجود دارد. مثلاً علامه های دریایی هر یک معادل یک کلمه یا یک جمله زبان گفتاری است. از روی آنها میتوان دریافت که اصل علامه هایی که برای نمایش معانی بکار رفته چگونه بوده است. اینکه علامتی بر علامتهای دیگر ترجیع یافته وبرای بیان مفهوم خاصی رایج شده باشد, تابع شرایط خاص محیطی است که درآن معمول بوده است. پس هر محـیط اجتماعی تحت شرایط خودش علامه ها و نشانه ها را تغییر میدهد که سبب تشکیل زبانهای مختلف عالم گردیده است.

اینکه زبان درچه زمانی بوجود آمده و تکامل یافته است اطلاع کامل در دست نیست. هرچه درین مورد گفته میشود فرضی بوده مبنی بر نظریاتی است که بشر شناسان و زبانشناسان ابرازداشته اند. درین مورد بحثهای زیادی کرده شده. از جمله بشرشناسان عقیده دارند که نوع بشر در عالم از 200000 سال پیش بوجود آمده و قریب 100000 هزار سال قبل آلات و افزار تمدن را بکار برده است. پس مبداء پیدایش زبان را از 150000 هزار سال پیش میدانند.

در باره مبداء اصلی زبانهای بشر که از کجا نشأت کرده است, بعض آسیای وسطی, جمعی سواحل رود ولگا , برخی سواحل دریای بالتیک و عده ای شبه جزیره اسکاندناویا نظریه دارند. عقایدی هم وجود دارد که شاید زبان در چند نقطه مختلف و میان جوامع مختلف بشری پدید آمده و به تدریج تکامل یافته باشد. اما این نکته مسلم است که هرچه در تاریخ بشر جلوتر برویم بانسانی برمیخوریم که زبان تکامل یافته ای داشته وبزبان گفتاری یا ملفوظی که موضوع زبانشناسی امروزی است فعالیتهای اجتماعی خودرا انجام میداده است. زبان ملفوظ یا فونتیک تابع قواعد صرفی و نحوی بوده زبان کامل گفته میشود. گرچه بعض زبانهای اشاره ای کامل هم وجود دارد که در بعض موارد خاص تکامل یافته ووسیله مخابره میشود (زبان اشاره یی کوران و کران) اما این موارد مخصوص است وعلت استثنایی دارد.

آنچه از بحثهادرباره مبداء, تکامل و تحولات تاریخی زبان بدست می آید اینست که زبانهای بشری به دسته ها یا خانواده های بزرگی تعلق دارند. ونیزبعضی دسته هایی از زبان وجود دارد که میتواند همه آنها را به مبداء واحدی برگــرداند و تصور کرد که ازآن نقطه روبه تکامل یا تحول گذاشته اند. اینکه آن نقطه کدام جای است هنوز بطور واضح و قطعی نمیدانیم.

در باره عدد قطعی تعداد زبانهایی که درجریان تاریخ بواسطه انسانها وسیله اجرای فعالیتهای اجتماعی قرارگرفته است نیز معلومات ما ضعیف است. تا حال علم زبانشناسی بصورت مثبت رقم تغییر ناپذیری بما نداده است. بآنهم تا جایی که تخمین کرده اند شمار زبانهای زنده عالم در حدود سه تا چهار هزار نوع بالغ میگردد. این زبانها در آغاز تکامل و سیر زبانهای اولی بشر وجود نداشته بعدها در گذشت زمان وپیدایش طوایف و قبایل و مهاجرتهای اقوام از محلی به محلی بوجود آمده است.

علمای زبانشناسی ازنظر اشتقاق وساختمان صرفی و نحوی تمام زبانهای عالم را به سه بخش عمده تقسیم کرده اند.